



نهج البلاغه می تواند محور وحدت فرق و مذاهب اسلامی باشد

یک نهج البلاغه پژوه با بیان اینکه نخستین کسانی که به ترویج و شرح نهج البلاغه پرداختند اهل سنت بودند، گفت: نهج البلاغه می تواند محور وحدت فرق و مذاهب اسلامی باشد.

یک نهج البلاغه پژوه با بیان اینکه نخستین کسانی که به ترویج و شرح نهج البلاغه پرداختند اهل سنت بودند، گفت: نهج البلاغه می تواند محور وحدت فرق و مذاهب اسلامی باشد.

مصطفی دلشاد تهرانی، پژوهشگر نهج البلاغه در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اهمیت نهج البلاغه در جهان اسلام گفت: نهج البلاغه بعد از قرآن کریم کتابی است که از نظر فرهنگی در میان مسلمانان و حتی غیرمسلمانان به شدت تأثیرگذار بوده است، به این معنا هیچ کتابی در میان آثار حدیثی به اندازه نهج البلاغه مورد توجه قرار نگرفته است از هیچ کتابی به اندازه نهج البلاغه نسخه خطی نداریم. بر نهج البلاغه بیش از ۲۰۰ شرح اعم از کامل و ناقص نوشته شده است، البته تعدادی از این شروح به دست ما نرسیده است.

وی افزود: شگفت این است که نهج البلاغه در دنیای اسلام وقتی پیدا شد، نخستین کسانی که به ترویج آن پرداختند و آن را شرح کردند و آن را تدریس کردند و تحت فشار حکومتها و دولتها قرار گرفتند اهل سنت بودند یعنی هنوز چیزی از پیدایش نهج البلاغه نگذشته بود که یک عالم بزرگ سنی به نام یعقوب بن احمد در خراسان بزرگ، نیشابور به تدریس و شرح آن پرداخت. شرح هایی که بعدا انجام شد از جهتی وامدار آن هستند و به آن بر می گردند. بعد از او هم پسرش حسن بن یعقوب کار پدر را ادامه داد. به دلیل اینکه این مناطق، مناطق تحت حاکمیت کامل اهل سنت بود تحت فشار قرار گرفتند و ایستادگی کردند و نهج البلاغه را ترویج کردند.

این محقق و نویسنده کشورمان در ادامه سخنانش اظهار کرد: در دوره های بعد برخلاف انتظار کسانی که خدمات بزرگی به نهج البلاغه کردند اهل سنت بودند یعنی سنگین ترین و جامع ترین شرحی که بر نهج البلاغه نوشته شده شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی هست که ۶۵۶ فوط کرده است که از علمای بزرگ اهل سنت هست.

وی تأکید کرد: در دوره معاصر متن منقح (تصحیح شده) از نهج البلاغه نداشتیم تا زمانی که شیخ محمد عبده مفتی الازهر نخستین نهج البلاغه منقح را چاپ کرد، نهج البلاغه ای که معنای لغات را داشته باشد و فهرست موضوعی علمی داشته باشد وجود نداشت تا اینکه دکتر صبحی صالح که از علمای اهل سنت هست این کار را انجام داد. بنابراین اگر مثلا عنوان کنیم نهج البلاغه کتابی است که بتواند همه فرق اسلامی را تحت پوشش قرار دهد و وحدت ایجاد کند و اختلافات را بردارد، سخنی به گراف نگفته ایم. این جمله تعبیر دقیق و درستی است.

دلشاد تهرانی تصریح کرد: زبده هم بر نهج البلاغه شرح نوشتند. غیرمسلمانان عرب هم که اهل ذوق و ادبیات و عدالت خواهی و انسان خواهی و آزادی خواهی بودند نهج البلاغه مورد توجه و مورد مطالعه آنها بوده است. مشهور است جرج جرداق مسیحی که از او نقل کردند دویست بار به طور کامل نهج البلاغه را مطالعه کرده است، اگر این ادعا نقل درست باشد بسیار مایه شرمندگی برای مدعیان پیروی از امیرمؤمنان که آن را مهجور گذاشته ایم.

این استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه نهج البلاغه طی ۱۶ سال تألیف شد یعنی سید رضی سال ۳۸۴ کار تألیف را شروع کرد و در رجب سال ۴۰۰ آن را به پایان رساند، گفت: سیدرضی می گوید: دیدم بسیاری از مطالبی که از امیرالمؤمنین در کتابها موجود است حول سه محور هست؛ یا از جنس خطبه و سخنرانی است یا از جنس نامه و بخش نامه و فرمان حکومتی و وصیت و ... یا از جنس کلمات قصار و کوتاه و حکیمانه. به همین خاطر نهج البلاغه را به سه بخش تقسیم کرد. گزیده ای در این سه بخش قرار داد. مطابق شماره گذاری دکتر صبحی صالح که شماره گذاری رایج دنیای امروز است ۲۴۱ خطبه و ۷۹ نامه و ۴۸۹ حکمت دارد.

وی اضافه کرد: نهج البلاغه از نظر سند مُرسَل است، یعنی شریف رضی سند مطالب را نیاورده است، البته دلیلی برای آن نمی دیده است چون قصد اصلی آن این بوده است که با نهج البلاغه نشان بدهد که امیر مؤمنان در سخن و سخن وری و بیان در جایی قرار دارد که هیچ کس از پیشینیان و پسینیان به گرد پای او هم نمی رسند. آن حضرت در قله قرار دارد. لذا برای نشان دادن اوج بلاغت سخنان لزومی به ارائه سند نبود، البته بعدها محققانی سعی کردند اسناد را جمع آوری کنند و تا آنجا که امکان داشت این کار انجام شد و کتابهای باارزشی در این زمینه چاپ شد.

دلشاد تهرانی تأکید کرد: نکته مهمی که ما درباره نهج البلاغه باید بدانیم این است که نهج البلاغه با وجود همه اتقان و اعتبار و ارزشی که دارد معنایش این نیست که خالی از خطاست و شریف رضی در تألیف آن خطایی نکرده است. در مواردی شریف رضی خطا کرده است، مواردی را وارد نهج البلاغه کرده که نمی تواند از امیرمؤمنان باشد منتها تعدادش خیلی کم است و قابل قیاس با کتابهای حدیثی دیگر نیست ولی به هر حال این توجه را باید داشت.

نکته مهم دیگری که در مورد نهج البلاغه باید دانست این است که ما وقتی به سراغ نهج البلاغه می رویم، گاهی ممکن است رویکرد عمومی به نهج البلاغه داشته باشیم که این برای همه مهیاست و هر کسی می تواند نهج البلاغه را بخواند و از ترجمه مناسب هم استفاده کند اما ممکن است کسی رویکرد علمی و تخصصی به نهج البلاغه داشته باشد و می خواهد مطالبی را استخراج و یا تبلیغ و ترویج و یا تحقیق و نظریه پردازی و کند. در این صورت باید به روش علمی رویکرد به نهج البلاغه آشنا باشد.